

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



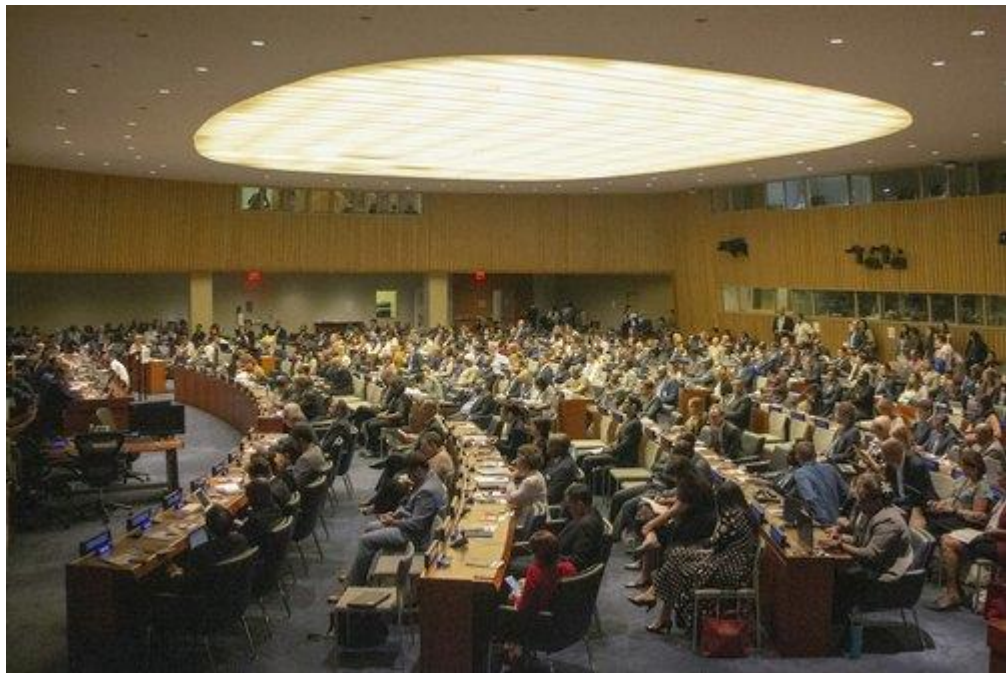
۲۰۲۴/۰۹/۱۲

ترجمه پوهندوی داکتر سید حسام مل

فرا تر از هژمونی نظم بین المللی جدید تحت منشور سازمان ملل متحد

Beyond Hegemony - A New International Order Under the UN Charter

نویسنده: جفری دی ساکس «Jeffery D.Sachs»
منبع و تاریخ نشر: ارشیف جفری ۲۰۲۴/۰۳.۰۹



ما به دلیل تلافی سه روند مرتبط به هم در مرحله جدیدی از تاریخ بشر هستیم. **اول**، و مهمترین، سیستم جهانی تحت رهبری غرب، که در آن کشورهای منطقه آتلانتیک شمالی از نظر نظامی، اقتصادی و مالی بر جهان تسلط دارند، پایان یافته است. **دوم**، بحران اکولوژیکی جهانی که با تغییرات اقلیمی ناشی از انسان، تخریب تنوع زیستی و آلودگی گسترده محیط زیست مشخص شده است، منجر به تغییرات اساسی در اقتصاد و حکومت جهانی خواهد شد. **سوم**، پیشرفت سریع فناوریها در چندین حوزه - هوش مصنوعی، محاسبات، بیوتکنولوژی، مهندسی زمین - اقتصاد و سیاست جهانی را عمیقاً مختل خواهد کرد.

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

این تحولات به هم پیوسته - ژئوپلیتیکی، زیست محیطی و تکنولوژیکی - باعث ایجاد ابهامات عظیم، نا بسا ما نی های اجتماعی، بحران های سیاسی و جنگ های آشکار می شود. برای پرداختن به این تحولات محوری، آنتونیو گوترش، منشی عمومی سازمان ملل متحد، خواستار برگزاری اجلاس سران آینده (SOTF) (22 تا 23 سپتا میر ۲۰۲۴ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک) شده است تا نهادهای بین المللی ما را به گونه ای اصلاح کنند که مناسب باشند. هدف در دنیای به سرعت در حال تغییر ما از آنجایی که صلح جهانی بیش از هر زمان دیگری به کار آمدی سازمان ملل متحد و قوانین بین المللی بستگی دارد، SOTF {گروه مخصوص عملیات خاص} باید نقطه عطفی در حکمرانی جهانی باشد، حتی اگر راه را برای مذاکره و مشورت بیشتر در سال های آینده نشان دهد.

مؤسسات موجود ما، چه ملی و چه بین المللی، مطمئناً در دنیایی که به سرعت در حال تغییر ما هستند، وظیفه حکمرانی را ندارند. **ادوارد او. ویلسون**، زیست شناس بزرگ تکاملی فقید، اغلب وضعیت مخصصه ما را اینگونه توصیف می کند: «ما با احساسات دوران سنگی، نهادهای قرون وسطایی و فناوری های تقریباً خدائگونه به قرن بیست و یکم برخورد کرده ایم.» منظور او این بود که ما امروز با چالش های خود با ماهیت اساسی شناختی و عاطفی انسانی روبرو هستیم که با تکامل انسان در ده ها هزار سال پیش، با نهادهای سیاسی که قرن ها پیش شکل گرفته بود (قانون اساسی ایالات متحده در سال ۱۷۸۷ تدوین شد) و با سرعت رعد و برق پیشرفت تکنولوژی (به ChatGPT به عنوان آخرین شگفتی فکر کنید).

شاید اساسی ترین واقعیت تغییر عمیق اجتماعی عدم اطمینان باشد و اساسی ترین واکنش به عدم اطمینان ترس است. در واقع، پیشرفت های فناوری - در صورت استفاده صحیح - می توانند مشکلات بی شماری را در توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی (به عنوان مثال، بهبود دسترسی به مراقبت های صحی و تعلیم و تربیه از طریق اتصال دیجیتال) و پایداری زیست محیطی (مانند انتقال سریع به منابع انرژی با کاربن صفر) حل کنند. با این حال، حال و هوای امروز چیزی جز خوش بینانه است، به ویژه در غرب. جنگ علنی بین ایالات متحده و روسیه در اوکراین و بین اسرائیل و فلسطین تحت حمایت ایالات متحده در جریان است. احتمال جنگ بین ایالات متحده و چین به طور گسترده، آشکار و حتی به طور معمول درواشنگتن مورد بحث قرار می گیرد، اگرچه چنین جنگی می تواند به معنای پایان خود تمدن باشد. ریشه این درگیری ها ترس است که بر اساس احساسات عصر سنگی ما ساخته شده است.

بزرگترین ترس بسیاری از رهبران سیاسی آمریکا و اروپا از این است که غرب پس از قرن ها هژمونی خود را از دست می دهد و به نوعی از دست دادن هژمونی عواقب فاجعه باری خواهد داشت. بوریس جانسون، نخست وزیر سابق بریتانیا، این ترس غربی ها را در ستونی در آوریل ۲۰۲۴ برای دیلی میل بریتانیا به صراحت بیان کرد و گفت که اگر غرب در جنگ اوکراین شکست بخورد، «این پایان هژمونی غرب خواهد بود».

جوهر جنگ اوکراین و بسیاری از درگیری های جهانی دیگر در همین جا نهفته است. ایالات متحده و متحدانش خواهان گسترش ناتو به اوکراین هستند. روسیه قاطعانه گفت نه. هم واشنگتن و هم لندن آماده جنگ با روسیه بر سر گسترش ناتو بودند تا از هژمونی غرب محافظت کنند (به ویژه حق دیکته کردن ترتیبات امنیتی به روسیه)، در حالی که روسیه آماده جنگ بود تا ناتو را دور نگه دارد. در واقع، روسیه در میدان نبرد بر ارتش اوکراین و تسلیحات ناتو پیروز می شود. این تعجب آور نیست. چیزی که شاید تعجب آور باشد این است که چگونه غرب به طور کامل توانایی های روسیه را دست کم گرفت.

به طور کلی، با تغییر نظم جهانی، از جمله ظهور چین و بقیه شرق آسیا، قدرت نظامی و تکنولوژیکی روسیه، توسعه سریع هند و اتحاد فزاینده آفریقا، جهان تحت سلطه غرب بوده است. نه با یک فروپاشی پر آشوب غرب، بلکه با افزایش قدرت اقتصادی، تکنولوژیکی و در نتیجه نظامی بقیه جهان به پایان رسید. در اصل، غرب هیچ دلیلی برای ترس از ظهور بقیه ندارد، زیرا ایالات متحده و اروپا همچنان بازدارندگی قاطع خود را از جمله بازدارندگی هسته ای در برابر هرگونه تهدید نظامی از خارج حفظ می کنند. غرب از دست دادن موقعیت نسبی خود - توانایی دیکته کردن به دیگران - و نه نامنی واقعی نظامی ابراز تاسف می کنند.

هیچ چیز قرار نیست هژمونی غرب را در سال های آینده بازگرداند - هیچ پیروزی نظامی، پیشرفت فناوری یا اهرم اقتصادی. افزایش ظرفیت های پیشرفته نظامی، فناوری، اقتصادی و مالی به آسیا و فراتر از آن، غیر قابل توقف است (و البته نباید متوقف شود، زیرا نشان دهنده جهانی عادلانه تر و مرفه تر از جهان قبلی تحت سلطه غرب است). با این حال، پایان هژمونی غرب به معنای هژمونی جدید چینی، هندی یا آسیایی نیست. مراکز قدرت بسیار زیادی وجود دارد - ایالات متحده، اتحادیه اروپا، چین، روسیه، هند، اتحادیه آفریقا، و غیره - و ظرفیت و تنوع بسیار زیادی وجود دارد که هر هژمون دیگری را قادر به جایگزینی نظم جهانی تحت رهبری غرب می کند. ما پس از قرن ها سلطه غرب، به جهانی فراتر از هژمونی رسیده ایم.

این دنیای جدید، فراتر از هژمونی، باید نقطه شروع نشست سران آینده باشد. ایالات متحده، بریتانیا و اتحادیه اروپا نباید در تلاشی بیهوده برای حفظ هژمونی خود (همانطور که بوریس جانسون خیال می‌کند)، یا به‌طور معادل آن، برای محافظت از «نظم مبتنی بر قوانین» خود اعلام‌شده آمریکا به اجلاس سران بیایند. قوانینی را که تنها توسط ایالات متحده تعیین شده است، پیش بینی می‌کند. آنها باید به عنوان بخشی از دنیای چند قطبی جدید بیایند که به دنبال یافتن راه حل‌هایی برای معضلات عمیق اکولوژیکی، علوم تکنولوژیکی، اقتصادی و غیره است. نظم جدید باید بر اساس چند جانبه‌گرایی و حقوق بین الملل بر اساس منشور سازمان ملل متحد اصلاح شده باشد. به عنوان رئیس شبکه راه حل‌های توسعه پایدار سازمان ملل متحد (SDSN) - یک شبکه جهانی متشکل از بیش از ۲۰۰۰ دانشگاه و اتاق فکر که به طور کلی به توسعه پایدار و به طور خاص به اهداف توسعه پایدار سازمان ملل (SDGs) اختصاص داده شده است - این فرصت را دارم که در مورد آینده بشریت با آنها صحبت کنم. رهبران پوهنتون‌ها، دانشمندان، علماء، سیاست‌گذاران و سیاستمداران در سراسر جهان، با هدف تصور آینده ای مرفه، عادلانه، پایدار و صلح آمیز برای همه جهان، نه برای غرب ممتاز یا هر بخش کوچک دیگری از جهان. جهان بر اساس این بحث‌های گسترده، SDSN بیا نیه‌ای درباره اجلاس سران آینده صادر کرد که به پنج «فصل» اصلی برای تصمیم‌گیری در اجلاس پاسخ داد: (1) دستیابی به توسعه پایدار. (2) تضمین صلح جهانی؛ (3) حاکم بر تکنولوژی‌های پیشرفته؛ (4) آموزش جوانان برای دنیای جدید. و (5) اصلاح نهادهای سازمان ملل به منظور مناسب ساختن آنها برای تعادل پسا هژمونیک قرن بیست و یکم. در اینجا خلاصه ای از توصیه‌های اصلی SDSN آمده است.

دستیابی به توسعه پایدار

1 - دستور کار SDG باید هسته اصلی همکاری جهانی تا سال ۲۰۵۰ باقی بماند. اهداف توسعه توسعه پایدار در ابتدا برای دوره پانزده ساله بین سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۳۰ پس از دوره پانزده ساله اهداف توسعه هزاره (MDGs) تنظیم شدند. واضح است که اهداف توسعه پایدار در چارچوب زمانی اولیه محقق نخواهد شد. ما قویاً اصرار داریم که SOTF نقش محوری SDG ها را در همسویی سیاست‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی به رسمیت بشناسد و به چارچوب SDG تا سال ۲۰۵۰ متعهد شود تا تلاش‌های در حال انجام را تقویت کند و افق زمانی لازم برای جهت‌دهی مجدد اقتصاد جهانی را تشخیص دهد. به توسعه پایدار افق جدید ۲۰۵۰ به معنای سست شدن تلاش نیست. بلکه به معنای بهبود پلانگذاری بلندمدت برای دستیابی به اهداف بسیار بلندپروازانه ۲۰۵۰ و نقاط عطف در راه رسیدن به سال ۲۰۵۰ است.

پلان توسعه پایدار باید به درستی تا مین مالی شود. تمام شواهدی که توسط پوهنتون سیستم برتون وودز و مؤسسات سازمان ملل ایجاد شده است نشان می‌دهد که کسری عظیمی در سرعت سرمایه‌گذاری مورد نیاز کشورهای فقیرتر برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار وجود دارد. به منظور بسیج جریان‌های سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای سرمایه‌انسانی و زیربنایی، معماری مالی جهانی باید اصلاح شود و برای توسعه پایدار مناسب شود. هدف اصلی این است که اطمینان حاصل شود که کشورهای فقیرتر دارای منابع مالی کافی، چه از منابع داخلی و چه از منابع خارجی، و با کیفیت کافی از نظر هزینه سرمایه و سررسید قرضه‌ها، برای افزایش سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار هستند. کشورها و مناطق باید راهبردهای توسعه پایدار میان مدت تولید کنند.

توسعه پایدار به طور کلی و اهداف توسعه پایدار به طور خاص، نیازمند برنامه‌های سرمایه‌گذاری عمومی طویل‌مدت، مسیرهای تحول، و جهت‌گیری، مأموریت برای ارائه اجناس و خدمات عمومی مورد نیاز برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار است. برای این منظور، همه کشورها و مناطق به استراتژی‌های میان مدت برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار نیاز دارند. این استراتژی‌ها، با افق سال ۲۰۵۰ و در برخی موارد فراتر از آن، باید چارچوبی یکپارچه برای سرمایه‌گذاری‌های محلی، ملی و منطقه‌ای برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار و تحولات تکنولوژیکی مورد نیاز برای دستیابی به جوامع سبز، دیجیتال و فراگیر فراهم کنند..

دستیابی به صلح و امنیت بین المللی

2 - اصول اصلی عدم مداخله باید تقویت و گسترش یابد.

بزرگترین تهدید برای صلح جهانی، مداخله یک ملت در امور داخلی کشور دیگر بر خلاف روح و متن منشور ملل متحد است. چنین مداخلاتی در قالب جنگ، اجبار نظامی، عملیات مخفی تغییر رژیم، جنگ سایبری، جنگ اطلاعاتی، دستکاری سیاسی و تامین مالی، و اقدامات قهری یکجانبه (مالی، اقتصادی، تجاری و فناوری)، همگی ناقض منشور ملل متحد هستند و تولید می‌کنند. تنش‌های بین المللی ناگفته، خشونت، درگیری و جنگ.

به همین دلیل، کشورهای عضو سازمان ملل باید تصمیم بگیرند که به اقدامات غیرقانونی مداخله هر ملت (یا گروهی از ملت‌ها) در امور داخلی ملت یا گروهی از ملت‌ها پایان دهند. اصول عدم مداخله مندرج در منشور ملل متحد، قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل، باید در خطوط زیر تقویت شوند. اولاً، هیچ ملتی نباید از طریق تأمین مالی یا سایر حمایت‌های احزاب سیاسی، جنبش‌ها یا نامزدها در سیاست هیچ کشور دیگری دخالت کند. ثانیاً، هیچ ملت یا گروهی از ملت‌ها نباید اقدامات قهری یکجانبه‌ای را که بارها توسط مجمع عمومی سازمان ملل به رسمیت شناخته شده است، به کار گیرند. ثالثاً، درجهانی که تحت منشور سازمان ملل عمل می‌کند، هیچ نیازی نیست که کشورها به طور دائم نیروهای نظامی خود را در کشورهای خارجی مستقرکنند، مگر طبق تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد پایگاه‌های نظامی موجود در خارج از کشور باید با هدف حذف تدریجی و از بین بردن پایگاه‌های نظامی در خارج از کشور در طول ۲۰ سال آینده، به طور چشمگیری کاهش یابد.

- شورای امنیت سازمان ملل متحد و سایر آژانس‌های سازمان ملل متحد باید برای حفظ صلح و حفظ امنیت کشورهای عضو سازمان ملل تقویت شوند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد باید اصلاح شود، گسترش یابد و برای حفظ صلح تحت منشور سازمان ملل قدرت یابد. اصلاح ساختار شورای امنیت سازمان ملل در بخش پنج در زیر توضیح داده شده است. در اینجا ما بر قدرت و ابزارهای افزایش یافته شورای امنیت سازمان ملل، از جمله رای‌گیری با اکثریت فوق‌العاده در شورای امنیت برای غلبه بر حق وتو توسط یک عضو تأکید می‌کنیم. قدرت ممنوعیت جریان بین‌المللی سلاح به مناطق درگیری؛ تقویت خدمات میانجیگری و داوری؛ و افزایش بودجه عملیات‌های صلح‌سازی، به ویژه در محیط‌های کم‌درآمد.

علاوه بر شورای امنیت، سایر ابزارهای کلیدی حفظ صلح جهانی، حقوق بشر و قوانین بین‌المللی باید تقویت شوند. اینها شامل اختیار و استقلال دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان کیفری بین‌المللی، کارکرد و حمایت از کمک‌های بشردوستانه مبتنی بر سازمان ملل متحد بطور اخص در مناطق جنگی، و نقش شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در دفاع و ترویج اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

- **قدرت‌های هسته‌ای باید به روند خلع سلاح هسته‌ای بازگردند.**

بزرگترین خطر برای بقای جهانی، جنگ حرارتی هسته‌ای است. در این راستا، ۱۰ کشور دارای تسلیحات هسته‌ای مسئولیت فوری دارند تا به دستور معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای (NPT) مطابق با ماده ششم پایبند باشند تا مذاکرات را با حسن نیت در مورد اقدامات مؤثر مربوط به توقف مسابقه تسلیحات هسته‌ای در سریع‌ترین زمان ممکن دنبال کنند. تاریخ و به خلع سلاح هسته‌ای، و در مورد معاهده خلع سلاح عمومی و کامل تحت کنترل شدید و مؤثر بین‌المللی. همه کشورها و به ویژه قدرت‌های هسته‌ای باید معاهده منع تسلیحات هسته‌ای ۲۰۱۷ را تصویب و از آن تبعیت کنند.

حاکم بر فن آوری‌های پیشرفته

3 - تقویت حاکمیت چندجانبه ریسک‌های تکنولوژیکی. جهان در حال تجربه پیشرفت‌های بی‌سابقه‌ای در قدرت، پیچیدگی و خطرات فناوری‌های پیشرفته در طیف وسیعی از علوم، فناوری‌ها و کاربردها است. اینها شامل بیوتکنولوژی، از جمله توانایی تقویت پاتوژن‌ها و ایجاد اشکال جدید زندگی می‌شود. هوش مصنوعی، از جمله پتانسیل برای نظارت فراگیر، جاسوسی، اعتیاد، سلاح‌های خودمختار، جعلیات عمیق و جنگ سایبری؛ سلاح‌های هسته‌ای، به ویژه ظهور سلاح‌های قوی‌تر و مخرب‌تر و استقرار آنها خارج از کنترل‌های بین‌المللی؛ و مهندسی زمین، به عنوان مثال پیشنهادهایی برای تغییر ترکیب شیمیایی جو و اقیانوس‌ها، یا منحرف کردن تشعشعات خورشیدی، در پاسخ به تغییرات آب و هوایی انسانی.

ما از مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌خواهیم که مجموعه‌ای از اقدامات فوری نظارت جهانی بر هر طبقه از علوم پیشرفته، از جمله مأموریت‌هایی به آژانس‌های مربوطه سازمان ملل متحد برای گزارش سالانه به مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد این پیشرفت‌های فناوری، از جمله تهدیدات بالقوه و الزامات نظارتی آنها ایجاد کند.

- نظارت دسترسی همگانی به علوم حیاتی

د پانوی شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

با روحیه و توسعه، تولید و نظارت نظارتی بر فناوری‌های پیشرفته که در واقع از توسعه پایدار حمایت می‌کنند (به جای بیش از حد نظامی‌سازی). از دانشگاه‌ها در تمام مناطق بخش

- ما همچنین از مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌خواهیم که مراکز جهانی و منطقه‌ای تعالی، آموزش و تولید را ایجاد و حمایت کنند تا اطمینان حاصل شود که تمام نقاط جهان برای مشارکت در تحقیقاتی که جهان باید آموزش دهد، قدرت دارند. و پرورش نسل بعدی مهندسان و دانشمندان برجسته مورد نیاز برای هدایت توسعه پایدار، با تخصص در تحولات ساختاری در انرژی، صنعت، کشاورزی و محیط زیست ساخته شده. به ویژه آفریقا باید برای ایجاد دانشگاه‌های در سطح جهانی در سالهای آینده مورد حمایت قرار گیرد.
- دسترسی همگانی به ظرفیت‌ها و پلتفرم‌های تحقیق و توسعه. بیش از هر زمان دیگری، ما به علم باز برای دانشمندان در کشورهای و مناطق فقیرتر، از جمله دسترسی آزاد جهانی به نشریات علمی و فنی نیاز داریم تا از دسترسی عادلانه و فراگیر به دانش و تخصص پیشرفته تکنولوژیکی که اقتصاد جهانی و جامعه جهانی را شکل خواهد داد، اطمینان حاصل کنیم.

قرن بیست و یکم آموزش جوانان برای توسعه پایدار

ما از نشست سران آینده می‌خواهیم که دسترسی هر کودک روی کره زمین را به سرمایه‌گذاری‌های اصلی در سرمایه انسانی‌شان در اولویت قرار دهد و روش‌های جدیدی برای تامین مالی بلندمدت جهانی ایجاد کند تا اطمینان حاصل شود که حقوق بشر هر کودک برای کیفیت اولیه اولیه است. و آموزش متوسطه، تغذیه و مراقبت‌های بهداشتی حداکثر تا سال ۲۰۳۰ انجام می‌شود.

4 - آموزش همگانی برای توسعه پایدار و شهروندی جهانی (Paideia). در پذیرش SDGs، کشورهای عضو سازمان ملل متحد به طور عاقلانه نیاز به آموزش کودکان جهان در چالش‌های توسعه پایدار را تشخیص دادند. آنها این کار را در پذیرش هدف ۴.۷ از SDGs انجام دادند:

۴.۷ - تا سال 2030 اطمینان حاصل شود که همه فراگیران دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای ترویج توسعه پایدار را کسب می‌کنند، از جمله از طریق آموزش برای توسعه پایدار و سبک زندگی پایدار، حقوق بشر، برابری جنسیتی، ترویج فرهنگ صلح و عدم خشونت، شهروندی جهانی، و قدرانی از تنوع فرهنگی و سهم فرهنگ در توسعه پایدار هدف

۴.۷ - در واقع فراخوانی است برای یک payeia قرن بیست و یکم، مفهوم یونان باستان از دانش اصلی، فضایل و مهارت‌هایی که باید برای همه شهروندان پولیس به دست آید. امروز، ما یک شهروند جهانی داریم - یک شهروند جهانی - که باید برای تقویت و ترویج ارزش‌های توسعه پایدار و احترام به حقوق بشر در سراسر جهان مجهز باشد. ما از اجلاس آینده می‌خواهیم تا هدف 4.7 را تقویت کند و آن را در آموزش برای توسعه پایدار در سراسر جهان زنده کند. این نه تنها شامل یک برنامه درسی به روز شده و ارتقا یافته در تمام سطوح آموزشی می‌شود، بلکه شامل آموزش در تمام مراحل چرخه زندگی در مهارت‌های فنی و اخلاقی مورد نیاز برای یک اقتصاد سبز، دیجیتالی و پایدار در یک دنیای به هم پیوسته می‌شود

- شورای جوانان و نسل‌های آینده

توانمندسازی جوانان با آموزش، آموزش، مربیگری و مشارکت در مذاکرات عمومی، می‌تواند نسل جدیدی را پرورش دهد که متعهد به توسعه پایدار، صلح و همکاری جهانی است. شورای جدید سازمان ملل متحد از جوانان و نسل‌های آینده می‌تواند فعالیت‌های سازمان ملل در آموزش و توانمندسازی جوانان را تقویت کند و می‌تواند صدای حیاتی جهانی جوانان را در برابر چالش‌های پیچیده امروز ارائه دهد. تغییر حکومت جهانی بر اساس منشور سازمان ملل متحد

5 - باید مجمع پارلمانی سازمان ملل تشکیل شود. در سرتاسر جهان، جامعه مدنی، دانشمندان و شهروندان خواستار تقویت نهادهای جهانی با ایجاد نمایندگی «ما مردمان» در سازمان ملل متحد شده‌اند. ما در وهله اول پیشنهاد می‌کنیم که «مجمع پارلمانی سازمان ملل متحد» را به عنوان یک نهاد فرعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر اساس ماده بیست و دوم منشور سازمان ملل تشکیل دهیم («مجمع عمومی می

تواند ارگان های فرعی را که برای اجرای وظایف خود لازم بداند تأسیس کند. توابع." مجمع پارلمانی جدید سازمان ملل متحد توسط نمایندگان پارلمان های ملی بر اساس اصول نمایندگی تعیین شده توسط مجمع عمومی سازمان ملل تشکیل خواهد شد

- سایر نهادهای فرعی سازمان ملل باید ایجاد شود. مجمع عمومی سازمان ملل متحد با استناد به اختیارات مندرج در ماده بیست و دوم باید اتاق های فرعی جدیدی را در صورت لزوم برای حمایت از فرآیندهای توسعه پایدار و نمایندگی نهادهای سازمان ملل ایجاد کند. اتاق های جدید ممکن است شامل موارد زیر باشد: • شورای مناطق برای امکان نمایندگی نهادهای منطقه ای مانند آسه آن، اتحادیه اروپا، اتحادیه آفریقا، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، و غیره
- شورای شهرها برای فعال کردن نمایندگی شهرها و سایر حوزه های قضایی زیرملی. • شورایی از مردمان بومی به نمایندگی از حدود ۴۰۰ میلیون مردم بومی جهان.
- • شورای فرهنگ، دین و تمدن برای ترویج فرهنگ صلح و عدم خشونت، شهروندی جهانی، و قدرانی از تنوع فرهنگی، دین و تمدن.
- • شورایی از جوانان و نسل های آینده برای نشان دادن نیازها و آرزوهای جوانان امروز و نسل های آینده (به بخش ۴.۳ بالا مراجعه کنید).
- • شورایی در مورد Anthropocene برای حمایت و ارتقای کار آژانس های ملل متحد در تحقق اهداف موافقت نامه های زیست محیطی چند جانبه (شامل توافقنامه آب و هوای پاریس و چارچوب جهانی نی تنوع زیستی کونمینگ-مونترال) و اهداف زیست محیطی اهداف توسعه پایدار.
- شورای امنیت سازمان ملل باید در عضویت و اختیارات اصلاح شود ما از شورای امنیت سازمان ملل و مجمع عمومی سازمان ملل می خواهیم که اصلاحات ضروری را در ساختار و فرآیندهای شورای امنیت اتخاذ کنند. اینها باید شامل موارد زیر باشد: (1) اضافه شدن هند به عنوان عضو دائمی، با توجه به اینکه هند کمتر از 18 درصد از کل بشریت را تشکیل می دهد، سومین اقتصاد بزرگ جهان در برابری قدرت خرید است، و سایر ویژگی هایی که نشان دهنده دسترسی جهانی هند به اقتصاد است. ، فناوری و امور ژئوپلیتیکی؛ (2) اتخاذ رویه هایی برای لغو حق وتو توسط اکثریت فوق العاده (شاید سه چهارم آرا). (3) گسترش و تعادل مجدد در مجموع کرسی ها برای اطمینان از اینکه همه مناطق جهان به نسبت سهم جمعیتی خود نشان داده می شوند. و (4) اتخاذ ابزارهای جدید برای رسیدگی به تهدیدات علیه صلح، همانطور که در بخش 2.2 ذکر شده است. تأمل و بازنگری اساسی ترین اصل برای نظام جهانی جدید ما باید احترام متقابل بین ملت ها باشد. جهان با چالش های عمیق و بی سابقه ای مواجه است - تخریب محیط زیست، بی ثباتی سیاسی گسترده، سلاح سازی فناوری های پیشرفته، و گسترش چشمگیر نابرابری های ثروت و قدرت - که تنها از طریق همکاری مسالمت آمیز میان کشورها قابل حل است. با این حال، با وجود فوریت همکاری، ما به سمت جنگ گسترده تر پیش می رویم. سازمان ملل بسیار در حال پیشرفت است. این ایجاد دنیایی بسیار متفاوت است، دنیایی که در اواسط پس از جنگ جهانی دوم تحت سلطه ایالات متحده بود. با 79 سال سن، سازمان ملل هنوز در چالش دیرینه حکمرانی خوب و دولت داری بین المللی کودکی است. در جهانی مملو از تسلیحات قوی تر، بمبوزره تسلیحات هسته ای، حل معضلات همکاری های صلح آمیز حیاتی ترین معضل است. بنابراین اجلاس سران آینده لحظه ای کلیدی برای تأمل و بازنگری در مورد نحوه اداره کشورمان است. جهان چند قطبی جدید، در زمان معضلات بی سابقه ای که بشریت با آن مواجه است. معضلات جهان قطعاً در کنفرانس سپتامبر حل نخواهند شد، اما با این وجود، اجلاس آینده می تواند نقطه آغازی حیاتی برای یک حکومت جهانی جدید باشد که در آن همه مناطق جهان به طور مشترک به خیر عمومی جهانی کمک کنند.